

## تطبیق بن‌مایه‌های اسطوره‌ای بینایی و دانایی در مصر و ایران با تأکید بر شاهنامه محفوظ در بنیاد کورکیان نیویورک

### چکیده

اسطوره، داستان‌هایی با توجه به تاریخ و اعتقادات و باورهای مذهبی روزگار قدیم ملت‌ها و بیانگر تمدن و فرهنگ آنان است. شاهنامه فردوسی، حماسه‌ای اساطیری، پهلوانی و تاریخی است. حوادث غیر عادی و موجودات غیر طبیعی در حماسه با اسطوره درآمیخته شده است. فردوسی داستان‌های شاهنامه را با زیبایی و هنرمندی به تصویر کشیده که هر کدام با توجه به موضوع خود، مضامینی چون حکمت و شجاعت و ... را به مخاطب منتقل می‌کنند. پژوهش‌هایی که تاکنون در رابطه با اسطوره و شاهنامه انجام شده، به‌طور متفرقه با مواردی چون کهن‌الگو با بن‌مایه اساطیری یا نمادهای اسطوره‌ای و مواردی مشابه، تا حدی به مبحث اساطیر در شاهنامه پرداخته‌اند؛ اما اساطیری با عنوان بینایی و دانایی در شاهنامه مورد توجه قرار نگرفته و از منظرهایی نزدیک به موضوع چون دین و خردورزی در این زمینه بررسی شده است. در پژوهش حاضر بن‌مایه‌های بینایی و دانایی در شاهنامه بررسی شده و به این پرسش پاسخ داده شده که بن‌مایه‌های اسطوره‌ای بینایی و دانایی در مصر و ایران (در شاهنامه فردوسی) چیست؟ نتایج نشان می‌دهد که اساطیر ایران در شاهنامه فردوسی، جلوه یافته و در ارتباط با بن‌مایه بینایی و دانایی باید به وجود برخی شخصیت‌های تاریخی در شاهنامه اشاره نمود که با اساطیر مصر نیز مشابهت‌هایی دارند.

### اهداف پژوهش:

۱. بررسی بینایی و دانایی از منظر اسطوره‌های شاهنامه و مصر باستان.
۲. تطبیق و قیاس، تشابهات و افتراق بینایی و دانایی از منظر اسطوره‌های شاهنامه و مصر باستان.

### سؤالات پژوهش:

۱. بینایی و دانایی چه جایگاهی در اسطوره‌های شاهنامه و مصر باستان دارد؟
  ۲. وجه تشابه و افتراق بینایی و دانایی در شاهنامه و اسطوره‌های مصری چیست؟
- کلیدواژه‌ها:** اسطوره، بینایی، دانایی، شاهنامه، اساطیر مصر.

## مقدمه

اسطوره<sup>۱</sup> با باورهای دینی و آداب و رسوم و باورهای مردم گره خورده است. کار اسطوره بیان کارهای خرق العاده و حوادث غیر طبیعی است و معمولاً داستان‌هایی درباره خدایان و قدرت‌های شگفت‌آور است. اسطوره با مذهب اقوام باستان گره خورده است. هنر و حماسه ایرانی از فرهنگ این کشور تأثیر پذیرفته است و برخاسته از اساطیر، ادبیات، دین و آیین‌های باستانی است. بنابراین، ماهیت نمادین گرفته شده خود از متون ادبی و حماسی، همچون شاهنامه فردوسی را حفظ می‌نماید. شاهنامه، مجموعه تجارب تاریخی ایرانیان در اداره صحیح اجتماع و تأمین آسایش مردم و توجه به اخلاق آنان است. خرد و دانش و ژرف‌بینی و باریک‌نگری حکیم فردوسی سبب گردیده که شاهکار او به صورت آئینه فرهنگ این مردمان باشد. بررسی اسطوره در شناخت ملت‌هایی چون ایران و مصر حائز اهمیت است. اساطیر با بینایی و دانایی ارتباط دارد و در عملکرد شخصیت‌های اسطوره نمایان می‌شود. فردوسی برای سرایش شاهنامه از اسطوره استفاده کرده و اسطوره در خلق شخصیت‌های شاهنامه و عملکرد آنان نقش مهمی داشته است. عنوان پژوهش حاضر دلالت بر این دارد که روایت‌های اساطیری با بینایی و دانایی پیوند دارد. از این‌رو، تلاش ما بر این است تا (بن‌مایه‌های...) که در شاهنامه فردوسی ظهور یافته است، مورد تحقیق قرار بگیرد. استفاده از اسطوره‌هایی که مبتنی بر بینایی و دانایی در شاهنامه و اساطیر مصر، بیانگر این مطلب است که انسان‌ها در زمان‌های گذشته، با فرهنگ‌های مختلف، سیرت و ذات یکسانی داشته‌اند و همواره در مواجهه با مشکلات و سختی‌ها و برای رسیدن به مرادها و آرزوهای محالشان از نیروهای ماورای طبیعی کمک گرفته و به آنچه که می‌خواستند، دست یافته‌اند. تطبیق اسطوره‌های بینایی و دانایی بیان برخی از شباهت‌های آن‌ها و آنگاه تفاوت‌های این دو که با هدف مطابقت، نه هیچ منظور دیگری از این منظر با شواهد موجود، بیان می‌شود، هرچند پیش‌شرط فعالیت برای مطابقت آن‌ها یعنی اختلاف زبان و بافت فرهنگی و تاریخی دو ملت متفاوت وجود دارد (خسروی و همکاران، ۱۳۹۱: ۷۰). شاهنامه و اساطیر مصری در نگرش اساطیری جهان از جایگاه ویژه‌ای برخوردار هستند و علاوه بر نشان‌دادن فرهنگ تاریخی و قومی و همچنین ریخت‌شناسی مفاهیم و واژه‌های در رابطه با اساطیر بینایی و دانایی دارند (حسن‌زاده میرعلی و قنبری عبدالملکی، ۱۳۹۰: ۹۶).

اهمیت بررسی اساطیر مرتبط با بینایی و دانایی در روایت شناسایی ساختارهای مشابه و یکسان و گاه تکراری روایت‌ها است و این موضوع عوامل اساسی در متن را که گاه ناپیدا هستند در برابر مخاطب قرار می‌دهد. شناخت عناصری از روایت که در آثار مختلف تکرار می‌شوند (بهار و شکری، ۱۳۹۸: ۲۷۹). این موضوع درباره فرهنگ عصر ایران در عصر فردوسی و مصر نیز اطلاعاتی را به دست می‌دهد (حق‌پرست، ۱۳۹۱: ۴۹). روایت در ترسیم اندیشه فرهنگی و اجتماعی دارای اهمیت بسیاری است و چگونگی نگرش ما را به جهان رقم می‌زند و از تجربه آدمی از جهان واقع سخن می‌گوید (رفاهی، ۱۴۰۰: ۴۵۸). پژوهش‌های مختلفی از دیدگاه‌های گوناگون درباره شاهنامه و اسطوره انجام شده اما تحقیقی

با عنوان بن‌مایه‌های اسطوره‌ای بینایی و دانایی در شاهنامه فردوسی یافت نشد. از این رو سوال و هدف اصلی این تحقیق که به شیوه توصیفی-تحلیلی است، «تحلیل تطبیقی بن‌مایه‌های اسطوره‌ای بینایی و دانایی در مصر و ایران (در شاهنامه فردوسی)» می‌باشد. فیروزی و حقیقت (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان «اسطوره و آفرینش انسان در مصر و بین‌النهرین» به بررسی تشابه و تفاوت اسطوره‌های مصر و بین‌النهرین پرداخته‌اند. همچنین سلطانی گرد فرامرزی (۱۳۸۶) در کتاب «رمزهایی از اساطیر ایران»، مجموعه‌ای مقالات در این زمینه آورده است. همچنین احمدی و حسنی باقری شریف‌آباد (۱۳۸۹) در مقاله‌ای با عنوان «خرد سیاسی در شاهنامه فردوسی؛ مبانی و ساختارها» به خرد سیاسی فردوسی از متون کهن ایران باستان و تأثیرپذیری شاهنامه از آن‌ها اشاره کرده‌اند. دهقانیان فرد در کتاب فرّ و فرهنگ و رای (۱۳۹۱) به خرد و دانش در اندیشه‌های فردوسی اشاره کرده است. رنجبر در کتاب جاذبه‌های فکری فردوسی (۱۳۶۳) به دیدگاه‌های فردوسی درباره خرد اشاره نموده است. با این تفاسیر، پژوهش حاضر بر آن است تا به روش توصیفی و تحلیلی و با تکیه بر داده‌های منابع کتابخانه‌ای به بررسی این موضوع بپردازد.

## نتیجه‌گیری

یکی از اسطوره‌های کهن، اسطوره مهر و اندیشه میترائیسم است. ایران و سرزمین‌های مجاور آن چون مصر، یونان، هندو چین، از تمدن‌های باستانی محسوب می‌شوند و اشتراکات اساطیری دارند. از این رو، خورشیدپرستی و آیین مهر یا میثرا در مصر و ایران از روزگاران کهن وجود داشته است. نموده‌های مهرپرستی در شاهنامه دیده می‌شود؛ چراکه نشانه‌هایی از نیایش و باور به مهر ایزد یا خورشید را در شاهنامه می‌بینیم که نشان‌دهنده باوری باستانی است. اندیشه اساطیری ایران زمین در اوستا بیانگر قدرت بینایی مهر است و درعین حال بخشش مهر از خرد و آگاهی او نشأت می‌گیرد. شخصیت‌های اسطوره‌ای شاهنامه به بینایی و دانایی پیوند خورده است. خرده‌مندی زال، سیمرغ و دیگر شخصیت‌های اسطوره بیانگر بن‌مایه‌های دانایی و بینش مذهبی و مهرپرستی و ضد اهریمنی و رازدانی شخصیت‌های اساطیری شاهنامه بیانگر بن‌مایه بینایی است. همچنین نقش چشم ایزدی (چشم جهان‌بین) در اسطوره مصری، چشم حورس (هوروس) است. اعتقاد به خدای خورشید و خدای خرد در اسطوره ایران و مصر و، دید وسیع اتوم در اساطیر مصر و آگاهی کیخسرو از احوال جهان، همانندی‌هایی میان اسطوره مصر و سیمرغ خود بیانگر اشتراکات اسطوره‌ای است.

## منابع

- آموزگار، ژاله. (۱۳۷۴). تاریخ اساطیری ایران، تهران: سمت.
- ایونس، ورونیکا. (۱۳۷۵). اساطیر مصر. ترجمه باجلان فرخی. تهران: اساطیر.
- اسلامی ندوشن، محمدعلی. (۱۳۷۲). داستان داستان‌ها، تهران: نشر آثار.
- اسماعیل‌پور، ابوالقاسم. (۱۳۸۲). زیر آسمان‌های نور، تهران: افکار.
- اجاکی، علی‌اکبر؛ شمیسا، سیروس و مدرس‌زاده، عبدالرضا. (۱۳۹۸). «مضامین نمادین شاهنامه در آثار هنری مازندران. هنر اسلامی، ۱۵(۳۴)، ۱-۲۸. doi: 10.22034/ias.10.22034.2019.93925».
- بهار فاطمه، شکری یدالله. (۱۳۹۸). «استعاره و گفت‌وگومندی در رجزهای شاهنامه براساس نظریه باختین»، جستارهای زبانی، ۱۰ (۲): ۲۹۴-۲۷۱.
- باقری، مهری. (۱۳۸۷). دین‌های ایران باستان، تهران: قطره.
- بویس، مری. (۱۳۷۴). تاریخ کیش زرتشت، ترجمه همایون صنعتی‌زاده، تهران: توس.
- بیرلین، ج.ف. (۱۳۸۶). اسطوره‌های موازی. ترجمه: عباس مخبر، تهران: انتشارات مرکز.
- پورداد، ابراهیم و فره وش، بهرام. (۱۳۴۷). یشت‌ها، چاپ دوم، تهران: طهوری.
- پورداد، ابراهیم. (۱۳۸۷). اوستا، تهران: دنیای کتاب.
- جوانشیر، ف.م. (۱۳۸۰). حماسه داد، تهران: نشر جامی.
- حجازی، بهجت‌السادات. (۱۳۸۸). «بازآفرینی اسطوره‌های سیمرغ و ققنوس»، مطالعات عرفانی، شماره ۱۰، ص ۱۴۸-۱۱۹.
- حسن‌زاده میرعلی، عبدالله؛ قنبری عبدالملکی، رضا. (۱۳۹۱). «تحلیل ریخت‌شناسی روایت اسطوره‌ای «کتیبه» بر اساس نظریه ولادیمیر پراپ». جستارهای زبانی، ۳ (۳): ۱۰۰-۸۱.
- حق پرست، لیلا. (۱۳۹۱). «شیوه‌های تصویرسازی کارگزاران اجتماعی در داستان بهمن از شاهنامه و بهمن‌نامه (بر اساس مؤلفه‌های جامعه‌شناختی - معنایی در تحلیل گفتمان)»، جستارهای زبانی، ۱۳۹۱، ۳ (۲): ۲۷-۱.
- خسروی شکیب، محمد؛ عزیز محمدی، فاطمه و قبادی، حسینعلی. (۱۳۹۱). «بنیامتنیت دو متن؛ نقد تطبیقی داستان «فریدون» در شاهنامه و «شاه لیر» شکسپیر». جستارهای زبانی، ۳ (۲)، ۲۲-۱.

دوستخواه، جلیل. (۱۳۷۰). اوستا: کهن‌ترین سروده‌ها و متن‌های ایرانیان، تهران: نشر مروارید.

دوستی، مینا. (۱۳۹۲). «تجلی روایت اسطوره‌های حقیقت در سیمرغ و ایکاروس با روش اسطوره‌سنجی با تکیه بر نگارگری‌های سیمرغ در دوره‌ی ایلخانی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، هنر اسلامی تبریز، پژوهش هنر.

دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۴۱). لغتنامه دهخدا، تهران: سروش.

رضا، فضل‌الله. (۱۳۷۴). پژوهشی در اندیشه‌های فردوسی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

رفاهی، سمانه. (۱۴۰۰). «مقایسه‌ی تحمیدی‌ی شاهنامه و گرشاسب‌نامه بر مبنای فرانش انیشتگانی دستور نظام‌مند - نقش‌گرایی هلیدی». جستارهای زبانی؛ ۱۲ (۲): ۴۸۰-۴۴۹.

شایگانفر، حمیدرضا. (۱۳۸۰). نقد ادبی، تهران: دستان.

غنچه‌ای، علیرضا؛ غفاری و همکاران. (۱۳۹۹). «بررسی سبک‌های مدیریتی در شاهنامه شاه طهماسبی بر پایه نگرش‌های اساطیری، حماسی و تاریخی». هنر اسلامی، ۱۷(۳۹)، ۲۶۴-۲۸۷. doi: ۲۰۲۰.۲۵۴۵۴۶.۱۴۲۶/ias.۱۰.۲۲۰۳۴

قبول، احسان. (۱۳۸۸). «شخصیت‌شناسی شغاد در شاهنامه»، مجله جستارهای ادبی، شماره ۱۶۴، ۸۱-۶۵.

فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۷۴). شاهنامه، به کوشش دکتر سعید حمیدیان، تهران: دفتر نشر داد.

گویری، سوزان. (۱۳۷۹). آناهیتا در اسطوره‌های ایرانی، تهران: انتشارات جمال‌الحق.

کزازی، میرجلال‌الدین. (۱۳۶۸). از گونه‌ای دیگر. تهران: انتشارات مرکز.

کوپر، جی.سی. (۱۳۸۰). فرهنگ مصور نمادهای سنتی، ترجمه ملیحه کرباسیان، تهران: نشر فرشاد.

کویاجی، جهانگیر کوروجی. (۱۳۶۲). آیین‌ها و افسانه‌های ایران و چین باستان، ترجمه: جلیل دوستخواه، تهران: نشر شرکت سهامی کتاب‌های جیبی و فرانکلین.

مره‌یی، منصور؛ جدیدالاسلامی، حبیب و رومیانی، بهروز. (۱۳۹۸). «تصویرسازی و تصویرآرایی فریب‌کاری در شاهنامه فردوسی و کلیله دمنه نصرالله منشی (مغول و تیموری)». هنر اسلامی، ۱۵(۳۵)، ۳۴۷-۳۶۷. doi: ۲۰۱۹.۱۰.۱۸۹۱/ias.۱۰.۲۲۰۳۴

مزدآپور، کتابون. (۱۳۸۳). اسطوره نو آیین کیخسرو، داغ گل سرخ و چهارده گفتار دیگر درباره‌ی اسطوره، کتابون مزدآپور، تهران: انتشارات اساطیر.

موسوی، سید رسول. (۱۳۸۸). «تصاویر بلاغی خورشید در شاهنامه و بازتاب اسطوره مهر در آن». شناختی فصلنامه ادبیات عرفانی و اسطوره شناختی دانشگاه آزاد واحد تهران جنوب، س ۵، ش ۱۴.

مهاجرانی، عطاالله. (۱۳۷۲). حماسه فردوسی، تهران: نشر مؤسسه اطلاعات.

محبوب، محمدجعفر. (۱۳۸۳). مرغان افسانه‌ای، ادبیات عامیانه ایران، تهران: چشمه.

ناس، جان. (۱۳۷۲). تاریخ جامع ادیان، ترجمه علیاصغر حکمت، چاپ سوم، تهران: آموزش انقلاب اسلامی.

ورمازن، مارتن. (۱۳۴۵). آیین میترا، مترجم بزرگ نادرزاد، تهران: کتابفروشی دهخدا.

ویو، ژ. (۱۳۸۱). اساطیر مصر، ترجمه: ابوالقاسم اسماعیل‌پور، تهران: نشر کاروان.

هارت، جورج. (۱۳۸۳). اسطوره‌های مصری، ترجمه هباس مخبر، تهران: مرکز.

واحددوست، مهوش. (۱۳۸۷)، نهادینه‌های اساطیری در شاهنامه‌ی فردوسی، تهران: سروش.

ولی، وهاب؛ بصیری، میترا. (۱۳۷۹). ادیان جهان باستان، جلد سوم (ایران)، تهران: نشر پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

یاحقی، محمدجعفر. (۱۳۶۹). فرهنگ اساطیر و اشارات داستانی در ادبیات فارسی، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.